

بررسی زیرساخت‌های توسعه سینمایی ایران

آذر ماه ۱۳۹۱

کارگروه مطالعات موردی

حامد ایرانشاهی

اغلب صاحب‌نظران و کارشناسان مسائل فرهنگی و هنری، از سینما به عنوان بخش پیشانی فرهنگ یاد کرده‌اند. این مفهوم بدین معناست که سینما بیش از بقیه رشته‌ها و گرایش‌های فرهنگی، مورد نگاه مخاطبان قرار دارد. حال این مخاطبان می‌توانند مردم کشور خود و همچنین می‌توانند مردم دیگر کشورهای دنیا باشند. به همین لحاظ دقت فراوان و نکته‌سنجی در این حوزه بسیار لازم و ضروری است و به نظر می‌رسد که، می‌بایست بیش از بقیه هنرها مورد توجه قرار گیرد و راجع به آن مطالعه شود.

سینمای توسعه یافته نتیجه‌ی زیرساخت‌های توسعه یافته است و به همین منظور مطالعه پیرامون زیرساخت‌های سینمای یک کشور، می‌تواند، نقاط ضعف و قوت سینمای آن کشور را برملا کند و مدیران و سیاستگذاران را در جهت رفع کاستی‌ها و تقویت نکات قوت، راهنمایی نمایند. در تبیین زیرساخت‌های سینمای ایران ابتدا می‌بایست نخست، مفهوم زیرساخت را در چارچوب سینما بازتعریف نماییم. به این معنا که ما از چه چیزی به عنوان زیرساخت در سینما یاد می‌کنیم، و چه چیزی را در این حوزه زیربنا می‌دانیم ...

سینما از یک سو هنر و از سوی دیگر، صنعت به شمار می‌آید. با توجه به چنین وضعیتی، می‌بایست گاهی اوقات به آن به عنوان هنر نگاه نمود و گاهی اوقات هم احساس نماییم که با یک صنعت روبرو هستیم. با تبیین این وضعیت، به این نکته می‌رسیم که می‌بایست در باره سینما و موضوعات مربوط به آن، بیش از بقیه هنرها پردازیم دقت نظر نماییم.

در کمتر پژوهشی در ایران می‌توان ردی از مفهوم زیرساخت‌های سینمای ایران بجوییم. خلاء بحث‌های نظری در حوزه فرهنگ و هنر در ایران باعث گردیده که ما نتوانیم مفهوم روشنی از این واژه در ذهن مان تصور کنیم و به تعبیر بهتر در تبیین این بحث با سردرگمی مواجه گردیم و در نهایت تعریفی مجهول و در عین حال پراکنده از آن ارائه نماییم. زیرساخت‌های سینمای ایران مثل هر مبحث دیگری در سینما، حوزه‌های مختلفی چون سیاست، فرهنگ و اقتصاد و... را در بر می‌گیرد.

که ما در تک تک این حوزه ها می توانیم زیرساختهایی را برای سینمای ایران فرض نماییم. برای مطالعه کامل زیرساختهای سینمای ایران باید در حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تأمل نمود. چرا که اگر زیرساخت این هنر به درستی تبیین نگردد، روبروای آن نیز به درستی معرفی نخواهد شد و آن حوزه با چالش های جدی مواجه خواهد گشت.

شاید عمده ترین مشکلات سینمای ایران نیز، از عدم استحکام زیرساختهای آن نشأت بگیرد. در این خصوص باید گفت که متأسفانه مسئولان هنری کشور تا کنون نتوانسته اند برای خود تعریفی درست از این مفهوم ارائه دهند و در پاره ای از موارد اصلاً این موارد را نمی شناسند. مجموع این مسائل نشان از آن دارد که در این حوزه اقدامی اساسی صورت نپذیرفته، و اگر بگوییم که مشکل سینمای ایران مشکلی زیرساختی است، سخن نادرستی نگفته ایم. پس ارائه یک تعریف مشخص برای مفهوم زیرساخت، در حوزه های مختلف، از ضروریات بحث است.

در این گزارش سعی گردیده که مفهوم زیرساخت در سینمای ایران، در حوزه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، حقوقی و حرفه ای مورد مطالعه و تحلیل واقع شود و در پایان نیز راهبردهایی برای استحکام و تقویت این زیرساخت ها ارائه خواهد گردید..

تقسیم بندی زیرساخت های سینمای ایران

زیرساختهای سینمای ایران در هر حوزه، دارای مفاهیم و مضامین خاصی است و برای اصلاح و تقویت این زیرساخت هانیزمی بایست تدابیر متفاوتی اندیشید. پایه گذاری و اصلاح برخی از زیرساخت ها از عهده دولت و نظام سیاسی بر می آید، و برخی دیگر از آنها را، سینماگران و جامعه می بایست اصلاح نماید. البته وجود زیرساختهای مستحکم، ثمره ی تعامل این دو با هم است و طبیعی است که در شرایط فعلی هرچه دولت و سینماگران از یکدیگر فاصله بگیرند، نمی توان انتظار وجود زیرساختهای مستحکمی را در این حوزه داشت. برای هر حوزه از زیرساختهای سینمای

ایران باید تمهیدات خاصی را اندیشید و می بایست از تمامی توانایی های ممکن به جهت تحکیم آنها ، مدد گرفت.

با نگاهی به وضعیت سینما ، در کشورهای مختلف دنیا به وضوح می بینیم که کشورهایی که در صدر جدول سینماهای توسعه یافته در دنیا قرار دارند، زیرساختهای خود را به شکلی منفک، در بخش های مختلف تبیین کرده اند و بر اساس این زیر ساخت ها، دارای چشم انداز ، و منشور مدونی در این حوزه می باشند. در کشور ما ، به این دلیل که زیرساختهای تعریف شده و مشخصی در این حوزه وجود ندارد، طبیعی است که نباید منشور و چشم اندازی هم در این زمینه ، توقع داشت . به همین علت وقتی از وضعیت و آینده سینمای ایران از مسئولان امر در بخش های دولتی و خصوصی سؤال می شود هر کدام با سردرگمی خاصی پاسخ هایی را می دهند که از زمین تا ثریا با یکدیگر اختلاف دارد و فاقد دغدغه های مشترک است. در وهله نخست وضعیت به وجود آمده ثمره فاصله دولت با بخش خصوصی در حوزه سینما است و در وهله دوم نتیجه عدم تعریف و تفکیک ساختاری زیرساختهای سینمایی، در کشور است. بدیهی است که تا تعریفی جامع از وضعیت زیرساختهای سینما در ایران ارائه نشود، نمی توان شاهد یک سینمای توسعه یافته در کشور بود . چرا که لازمه ی هر پیشرفتی، درک وضعیت کنونی هر آیتم است.

حال با عطف به موارد مطروحه، تقسیم بندی زیرساختهای سینمای ایران را در تعاریفی منفک، در حوزه های مختلف تبیین نموده و سپس وضعیت این زیرساخت ها را در کشور مرور خواهیم نمود. در انتهای هر بخش نقش دولت و سینماگران را در هر حوزه تا حد بضاعت مشخص خواهیم نمود.

جدول ذیل زیرساخت های سینمای ایران را در حوزه های مختلف مشخص می نماید:

تقسیم بندی زیرساختهای سینمای ایران
زیرساختهای فرهنگی
زیرساختهای حقوقی

زیرساختهای اقتصادی
زیرساختهای سیاسی
زیرساختهای صنفی
زیرساختهای حرفه ای

زیرساختهای های فرهنگی سینمای ایران:

سینما مانند هر پدیده ی جدید دیگری، برای ورود به کشور نیازمند زیرساختهای فرهنگی لازم بود. چرا که این هنر صنعت از محصولات تمدنی جدید محسوب می شد و از سوی لایه های سنتی جامعه ایران پذیرش آن دشوار به نظر می رسید. و طبیعی بود که مقاومت هایی در مقابل حیات و توسعه آن صورت پذیرد. توسعه سینما در ایران به واسطه این فضا، همواره با محافظه کاری همراه بود و اگر این هنر صنعت دارای جذابیتی فوق العاده برای عموم مردم نبود، تا به اینجا هرگز بسط نمی یافت. توسعه ی محافظه کارانه و نیمه مخفیانه سینما در ایران با چالش های بسیاری مواجه بود، که این چالش ها باعث آن شد که در کشور، زیرساختهای فرهنگی سینما به شکلی مستحکم تدوین نگردد و تا مدتها کارکردی را که باید داشته باشد، نداشت.

عموم مردم نیز همواره به سینما به عنوان یک کالای سرگرم کننده نگاه می کردند . با این تلقی، طبیعی بود که افکار عمومی بیشتر به دنبال تصاویری برود که برای آنها جذابیت بیشتری داشت. برهنه شدن زنان و رقص آنها، حرکت ماشین هایی که برای آنها تازگی داشت و ورود قطار به ایستگاه، از جمله تصاویر متحرکی بودند که تا مدتها برای مردم جذاب بود و مردم برای تماشای آنها جلوی سالن سینما توگراف صف می کشیدند.

در دهه های نخستین ورود سینما به ایران، اخذ معنا و مفاهیم فرهنگی و اجتماعی از فیلمهای فارسی، مفهوم بیگانه ای بود که مخاطبان هرگز به دنبال آن نبودند. مخاطب در آن سالها بیشتر به دنبال مشاهده تصاویر مستهجن و حیرت آوری بود که معنا و مفهومی از آن دریافت نمی شد. چنین

برداشتی از سینما با همه ی جذابیتی که برای توده های مردم داشت، به مذاق بسیاری از مذهب‌یون خوش نمی آمد و با آن مقابله های جدی صورت می گرفت. از سینما در ایران تا مدت‌ها این مفاهیم دریافت می شد و طبیعی بود که مخالفان بسیاری هم داشته باشد. سینما همچون دیگر کالاهای مدنیت جدید در باور لایه های سنتی جامعه، بیشتر به چیزی شبیه بود که واجد مضامین سنت ستیز و در برخی موارد دین ستیز بود و در چنین فضایی به سختی می توان پایه های استواری برای این هنر صنعت گذارد. زیرساختهای فرهنگی سینمای ایران در چنین فضایی گذارده شد .

پس از این مرحله دوره فیلم فارسی پدیدار گشت که در این دوره هم پیامهای احساسی از فیلمها دریافت می گردید و سینما در این دوران هم مجال آنکه زیرساختهای فرهنگی خود را بازسازی نماید، نیافت. در آستانه انقلاب اسلامی سینما در باور مذهب‌یون به مکان الواتی شبیه بود و در کنار خانه های فساد و کاباره ها، نام آن مطرح می گردید. این موج تنفر از سینما، پس از انقلاب هم تداوم یافت تا آنکه بنیانگذار جمهوری اسلامی اظهار نظرهای متفاوتی در دفاع از سینما مطرح فرمودند و پس از آن نگاه مذهب‌یون به این هنر تا حد زیادی تعدیل گشت. فرصت به وجود آمده سبب آن شد که حرکت‌های مثبتی به سوی ترمیم و بازسازی زیرساختهای فرهنگی سینما برداشته شود که جنگ تحمیلی، این حرکت را نیز عقیم باقی گذاشت. با این حال ثمره این حرکت ارزشمند، تحولات چشمگیری بود که در سینما به وجود آمد. پس از این ایام، در دهه های هفتاد و هشتاد اقدامات مهم دیگری به جهت تغییر ماهیت زیرساختهای فرهنگی معیوب سینما و تغییر نگاه مردم به آن، صورت گرفت که وجود زیرساختهای معیوب فرهنگی به واسطه ی فضای سنتی جامعه ی، هرگونه تفکر پیرامون تدوین زیرساختهای فرهنگی سینما را با مشکل مواجه کرد .

مجموع عوامل مطروحه در تاریخ فرهنگی سینمای ایران، سبب ایجاد نقایص عظیمی در زیرساختهای فرهنگی آن شده بود و این ساختار نیمه معیوب که در عصر حاضر قابل مشاهده در سینمای ایران است، ثمره مجموع این وقایع است. در شرایط کنونی به نظر می رسد که می بایست

به جهت ترمیم زیرساختهای معیوب فرهنگی سینما در ایران ، اقدامی اساسی صورت داد و نگرش طبقات مختلف اجتماعی را نسبت به آن تغییر داد.

برای بازسازی زیرساختهای فرهنگی سینمای ایران و همچنین بازتعریف مجدد آن، در گام نخست می بایست نگاه فرهنگی ما به سینما تغییر یابد. بدین گونه که دیگر نباید سینما را یک سرگرمی صرف بدانیم. بلکه همواره از آن به عنوان یک هنر نو که دارای کارکردهای فرهنگی واجتماعی فراوان است، یاد کنیم و به جای خطاب کردن هنرمندان این عرصه با عناوین تحقیرآمیز، آنها را ستوده و با نگاهی تجلیلی به آنها بنگریم.

سینمای امروز، تنها یک هنر نیست بلکه خود ابزاری سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی در دست دولت هاست. به همین علت است که فعالان این حوزه، سینما را به عنوان پیشانی فرهنگ، قلمداد می کنند. امروزه با سینما می توان زمینه های تحولات سیاسی آینده دولتها را، فراهم کرد. کما اینکه، کشورهای غربی از این امکان تاکنون استفاده های بسیاری برده اند. برای نمونه رونالد ریگان، جنگ ستارگان را سالها پیش تر از آنکه در فضای سیاسی جامعه اتفاق بیافتد، در فیلم های سینمایی به تصویر کشید و زمینه سازی کرد. مهم تر از همه، سینما به عنوان ابزار فرهنگی، می تواند آموزش فرهنگ صحیح دهد و از روابط اجتماعی تا فرهنگ گفتگوی صحیح را به مردم آموزش دهد. سینما به لحاظ فرهنگی از چنین جایگاهی برخوردار است و لازم است، نگاه فرهنگی ما به نسبت به آن تغییر یابد و به جای سرگرمی و یا مظاهر مدنیت غرب، به آن بعنوان کالایی فرهنگ ساز نگریسته گردد. بازتعریف زیرساختهای فرهنگی سینما، به این معناست که ما جایگاه واقعی سینما را در جامعه فرهنگی پیرامونمان تبیین و به رسمیت بشناسیم و خلاء هایی را که در این زمینه موجود است، مرتفع نماییم و به درستی بدانیم که در حوزه فرهنگ چه چیزی از سینما می خواهیم و چه توقعی از این هنر صنعت داریم. جدول زیر عوامل موثر بر تقویت و اصلاح زیرساختهای فرهنگی سینما را نشان می دهد که تکیه بر آنها به طور قطع به توسعه فرهنگی سینمای ایران کمک شایانی خواهد نمود

عوامل موثر بر تقویت زیر ساخت های فرهنگی سینمای ایران
تبیین بنیادهای فرهنگی سینما و تعیین استاندار های ملی تولید فیلم
ایجاد سامانه ی کدینگ به منظور جلوگیری از سرقت های فیلم ها ی سینمایی
اعمال نگاه بومی به هنر صنعت سینما و تقویت سینمای ملی ایران
تعمیق نگاه عمومی نسبت به هنر سینما از طریق رسانه های عمومی
نزدیک نمودن سلیقه عمومی به سلیقه حرفه ای و تقویت نگاه منتقدانه نسبت به سینما
ایجاد ارتباط موثر جهانی به منظور کسب دانش روز و مقابله فرهنگی با محصولات فرهنگی بیگانه

زیرساخت های حقوقی سینمای ایران:

به باور اغلب فعالان حوزه سینما، زیرساختهای حقوقی مهمترین زیرساختهای سینما می باشد، که در ایران با گذشت بیش از هشتاد سال از ساخت نخستین فیلم داستانی، هنوز به شکل کاملی تکوین نیافته است. برخی معتقدند که بسیاری از مشکلات سینمای ایران به علت عدم شکل گیری زیرساختهای حقوقی آن است.

زیرساختهای حقوقی در تمامی حوزه های فرهنگی و اجتماعی، میثاق و ملاک عمل فعالان هر حوزه محسوب می شوند؛ بدین معنا که اگر این زیرساخت ها تکوین نیابند، فعالان اجتماعی در رفتار و

فعالیتشان دچار سردرگمی خواهند شد و باید ها و نبایدهای قانونی حوزه فعالیتشان را نمی شناسند. طبیعی است که در چنین شرایطی از یک سو راه برای رفتار سلیقه ای باز می گردد و از سوی دیگر موجبات مدیریت سلیقه ای فراهم می شود. عدم وجود قانون جامع سینما در کشور ما سبب شکل گیری چنین حالتی شده است .

نخستین قانون سینما در ایران، همان قانون حمایت از حقوق مولفین و مصنفین است که در سال ۱۳۴۸ هجری شمسی تدوین گردید. در این قانون تا حد اندکی حقوق و تکالیف فعالان حوزه هنری و فرهنگی تعیین شده بود و با توجه به شرایط آن روز تقریباً می توان گفت زیرساخت حقوقی مناسب برای سینمای آن روز محسوب می شد. بسط و گسترش سینما در دنیا و ایران، کارایی این زیرساخت را زیر سؤال برد و به جرأت می توان گفت که این قانون، زیرساخت حقوقی مناسبی برای سینمای ایران در عصر حاضر نیست. به غیر از قانون حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین، سینمای ما با تعدادی آیین نامه و بخش نامه تدوین شده توسط این مدیر و آن مدیر اداره می شود که با تغییر مدیریت بخش نامه های قبلی کاربرد خود را از دست می دهد. طبیعی است که چنین نظام حقوقی ای، راه را برای برخورد سلیقه ای با سینما باز می کند و چالش های بی شماری را در بخش حقوقی، برای سینما به وجود می آورد.

سینمای برای توسعه خود نیاز به زیرساختهای حقوقی مناسب است که حداقل اقدام در این زمینه تدوین یک قانون جامع برای سینماست، تا به وسیله آن هرگونه برخورد سلیقه ای با سینما منتفی گردد. و دولتهای مختلف سیاست یکسانی را در مقابل سینما پیش گیرد.

عوامل موثر بر تقویت زیر ساخت های حقوقی
سینمای ایران
تصویب قانون جامع سینما در مجلس
ایجاد قانون بازنشستگی برای سینما گران

ایجاد قانون جدید دفاع از حقوق مادی و معنوی هنرمندان
به روز کردن قانون حمایت از حقوق مولفین
تصویب قانون بیمه هنرمندان
تلاش در جهت حاکمیت قانون در حوزه سینما

زیرساخت های اقتصادی سینمای ایران:

سینما علاوه بر زیرساختهای فرهنگی و اجتماعی و حقوقی، زیرساختهای دیگری نیز دارد، که زیرساختهای اقتصادی یکی دیگر از آنها است. اگر نخواهیم مثل گفتمانهای سوسیالیستی، برای اقتصاد نقشی زیربنایی قائل شویم، اما می بایست نقش مهمی را برای آن در این حوزه در نظر بگیریم. چرا که به جهت مهیا نمودن برخی از مقدمات مذکور، به سرمایه ی اقتصادی کلانی برای شروع کار نیاز است. از آنجایی که صنعت سینما، صنعت گرانی به حساب می آید، هرگز بدون پشتوانه اقتصادی نمی تواند تداوم یابد و ادامه حیات داشته باشد.

در شرایطی که سینما از زیرساخت های اقتصادی مطلوبی برخوردار نباشد، فعالان حوزه سینما، به جای اینکه تمام هم و غم خود را صرف ساخت یک اثر ارزشمند نمایند، صرف تأمین هزینه های فیلم می کنند، و دیگر نمی توانند کار ارزشمندی در این حوزه از خود ارائه دهند.

عدم وجود پشتوانه های اقتصادی لازم، فیلم ساز را به سمت ساخت فیلمهایی می کشاند که برای خوشایند و بدآیند شخص یا گروهی مشخص ساخته می شوند، و سینمایی که باید به سمت توسعه یافته گی پیش برود به سینمای سفارشی بدل می گردد.

زیرساختهای اقتصادی موجود، برای سینمای ایران، به هیچ وجه زیرساختهای مستحکمی نبوده و نیستند و ما گاهی شاهد فیلم هایی هستیم که یا به سفارش و هزینه ی جایی ساخته می شوند و یا به جهت فروش بیشتر، رو به عوام زدگی و عوام گرایی می آورند. وجود این فیلم ها حکایت از

زیرساختهای اقتصادی معیوب دارد و به هیچ وجه سینمای توسعه یافته را محقق نمی سازد. عدم وجود زیرساختهای مناسب؛ مشکلات اقتصادی را برای فیلم سازان آنقدر بزرگ جلوه می دهد که بخشی از دغدغه های سینماگران، که می بایست صرف ارائه یک کار فرهنگی ماندگار شود، صرف مسائلی چون هزینه های فیلم، دستمزد بازیگران و عوامل فیلم و در نهایت فروش موفقیت آمیز فیلم گردد. امروز در ایران تولید یک فیلم سینمایی به طور متوسط بیش از یک میلیارد تومان هزینه دارد که علاوه بر احتیاج به کادر حرفه ای، به سرمایه ای نسبتاً زیاد هم محتاج است که، از عهده ی بسیاری از سینماگران و فعالان این عرصه بر نمی آید.

سینما به رغم پر هزینه بودن، پر درآمد نیز هست، منوط به اینکه زیرساختهای آن در بخش های مختلف به شکلی صحیح طراحی گردند. با توجه به این نکته، باید گفت که آغازگر یک سینما توسعه یافته در بخش اقتصاد، دولت می تواند باشد. این نهاد با حمایت های عادلانه و زیربنایی اش می تواند با ایجاد امکانات برابر برای مستعدین این حوزه، شرایطی را به وجود آورد که دست گذاری سینما از حاکمیت قطع گردد. دولت ها قادرند با صرف هزینه ای ابتدایی در صنعت سینما، در آینده ای نزدیک، از توسعه یافتگی آن بهره اقتصادی نیز ببرند. دولت هایی که به توسعه سینمایی می اندیشند، نمی باید در مقابل حمایت های اقتصادی شان به سینماگران، توقع کار سفارشی از آنها داشته باشند و حق انتخاب فیلمنامه را با موضوعات اختیاری برای سینماگران محفوظ بدارد و کمک های مالی اش را در راستای غنای فرهنگی کشور قلمداد کنند. یعنی همان چیزی که در کشورهایی که به توسعه سینمایی دست یافته اند به وضوح می بینیم. زیرساختهای اقتصادی سینمای ایران را می بایست از نو و با نگاه و به سند چشم انداز توسعه تدوین نمود. در پایان این بخش باید گفت که پایه های استقلال اقتصادی سینما، با کمک اولیه دولت محقق می گردد. در جدول ذیل عوامل موثر بر تقویت زیرساخت های اقتصادی سینما گنجانده گردیده است، که در صورت تحقق می توان امید داشت که، اقتصاد بالنده سینما به توسعه اقتصادی کشور بیانجامد.

عوامل موثر بر تقویت زیر ساخت های اقتصادی سینمای ایران
ایجاد حمایت ها و مشوق های توزیعی
ایجاد سامانه جبران خسارت برای فیلمهای توقیفی
تسهیل در دستیابی عادلانه به کالای تبلیغ سینما
سرمایه گذاری در جهت تقویت استقلال سینما
قانونمند کردن دستمزدهای بازیگران
خصوصی سازی بخش سینمایی در دولت با مشارکت هنرمندان

زیرساخت های سیاسی سینمای ایران

حوزه سینما در کشور ما همواره حوزه مناقشه انگیزی بوده است. دعوای دولت و فعالان سینمایی از مواردی است که هر چند وقت یک بار در فضای جامعه مشاهده می شود. حضور سینماگران در سیاست نیز از دیگر مواردی است که آن را هم در مواقعی می توان مشاهده نمود. این اتفاق به ویژه در ایام انتخابات بیشتر جلوه گر می شود. سینما در ظاهر پیوندی با سیاست ندارد، اما وقتی کمی عمیق تر به قضیه بنگریم متوجه می شویم که سینما چه مستقیم و چه غیرمستقیم از مصرف کنندگان و بهره وران نظام سیاسی است. برای نمونه در شوروی سابق، به واسطه ی هژمونی کمونیست بر جامعه، نظارت شدید دولت در حوزه های هنری به شدت افزایش یافت و یا در امریکا سیاستهای لیبرالیسم، آزادی عمل ویژه ای را برای سینماگران به دنبال داشت. زیرساختهای سیاسی سینمای ایران نیز بالطبع تحت تأثیر نظام سیاسی ایران بوده است و تقریباً می توانیم بگوییم دولتهای مختلف در ایران نگاه های مختلفی به حوزه سینما داشته اند. به همین جهت ما در بخش

سیاسی از زیرساختهای یکسان و مستحکمی در حوزه سینما برخوردار نبودیم. در یک دولت متصدیان امر قائل به نظارت و محدودیت شدید بر حوزه سینما بوده اند و در دوره ای دیگر خبری از این محدودیتها نبوده است و اگر هم بوده، بسیار محدود این اتفاق افتاده است. اغلب مواقع نیز حالت بینابینی وجود داشته و زیرساختهای مدونی در بخش سیاست برای سینما وجود نداشته است. ثمره ی این وضعیت، چنین شده که پس از گذشت بیش از سی سال از انقلاب اسلامی، نه دولت می داند تا چه حدی باید بر حوزه ی سینما نظارت کند و نه سینماگران می دانند که نقش دولت در سینما باید چگونه باشد و چه توقعی را باید از دولت در این زمینه داشت.

خلاصه ای از آنچه گفته شد، وضعیت کنونی زیرساختهای سیاسی سینمای ایران را شامل می شود که نیاز به باز تولید و تجدید نظر در آن بسیار مشهود است. سینماگران اگر در بخش های مختلف به دولت انتقاد دارند باید دقیقاً مطالعه و تعیین کنند که چه چیز از آن می خواهند و آیا مطالباتشان از دولت به جا و منطقی است. در مقابل دولت نیز باید نظارت بر سینما را بر اساس منشوری مدون و قانونی مشخص و بطوری که به استقلال سینماگران لطمه وارد ننماید و آنها را در فعالیتشان محدود ننماید، اعمال کند. این اقدامات برای شکل گیری سینمای توسعه یافته ضروری است. سیاست مداران نیز باید نگاه ابزاری خویش را نسبت به ستارگان سینما تصحیح نمایند و تنها از محبوبیت آنها در جامعه، برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش استفاده ننمایند و پس از پیشبرد اهدافشان و موفقیت در جنگ سیاست نیز، به هنرمندان و مطالبات آنها توجه داشته باشند و از آنها برای مدیریت امور، مشاوره بگیرند. در جدول زیر عوامل موثر بر ترمیم زیرساختهای سیاسی سینمای ایران درج گردیده که به نظر می رسد بدون لحاظ نمودن این آیتم ها سخن از توسعه سینمایی امری بیهوده است..

عوامل موثر بر تقویت زیرساخت های سیاسی

سینمای ایران

محدود نمودن ساختار تصدی گر دولت در سینما
شفافیت در عملکرد دولت با سینماگران
عدم نگاه ابزاری به سینما توسط جریانهای سیاسی
تقویت فضای نقد سیاسی در فیلم ها
قانونمند شدن نظارت های دولت بر سینما

زیرساخت های صنفی سینمای ایران:

اگر پای سخن هنر پیشگان سینمای ایران بنشینید و در مورد مطالبات آنها سؤالات مشابهی بپرسید با پاسخهایی مواجه می شوید که شباهت های کمی با یکدیگر دارند و به هیچ وجه از یک دغدغه ی مشترک حکایت نمی کنند. این تشمت آرا در سینمای ایران حاصل عدم وجود زیرساختهای صنفی مناسب در این حوزه است. بسیار پیش می آید که طرح مطالبات در یک صنف باعث مرتفع شدن آن مطالبات توسط مدیران آن صنف می شود و دیگر نیاز به طرح مطالبات در جاهای دیگر نیست. اما به واسطه ی عدم وجود فرهنگ فعالیت صنفی، این مطالبات در جاهایی مطرح می شود که نباید مطرح گردد و طبیعی است که نتیجه مطلوبی نیز از طرح مطالبات در جاهای دیگر به دست نمی آید.

مفهوم خصوصی سازی در حوزه فرهنگ نیز تا حدی دارای همین معانی است. دولتها می بایست با واگذاری برخی از امور فرهنگی و هنری به صنفهای موردنظر، کار خود را تسهیل بخشند و فرهنگ فعالیت مدنی را در کشور نهادینه کنند. عدم وجود زیرساختهای صنفی در سینمای ایران به این معنا نیست که در کشور ما صنفی برای سینما وجود ندارد، بلکه بدین معناست که فرهنگ صنف گرایانه در ایران نهادینه نشده است. در کشورهای توسعه یافته وجود زیرساختهای صنفی مناسب در اغلب اصناف قابل مشاهده است و استقلال آنها از دولت و یا هر نهاد دیگری به شکلی نهادینه شده در

ذهن هنر پیشگان جا افتاده است. سینماگران در شکل صنفی می بایست مطالباتشان را دسته بندی کنند و بهترین راههای تحقق آنها را بیابند و با یکپارچه کردن مطالبات صنفی، دولت را برای تحقق آنها متقاعد نمایند. دولت نیز باید به اصناف هنری بها داده و آنها را به رسمیت بشناسد و در امور مشارکت دهد. در جدول ذیل عوامل تقویت زیرساختهای صنفی سینمای ایران تبیین گردیده است.

عوامل موثر بر تقویت زیرساختهای صنفی سینمای ایران
تقویت روحیه فعالیت صنفی در اهالی سینما
تشکیل جلسات مستمر میان هنر پیشگان
بها دادن دولت به فعالیتهای صنفی سینماگران
پیگیری مطالبات صنفی سینما از کانالهای صنفی
پرهیز از هرگونه صنف سازی مشابه توسط هرجریان

زیرساخت های حرفه ای سینمای ایران:

پس از تبیین زیرساختهای سینمای ایران در بخش های مختلف، ارائه تعریفی از زیرساختهای حرفه ای سینما ضروری به نظر می رسد. چرا که همه ی این موارد برای ارائه ی یک اثر حرفه ای و تأثیرگذار تبیین می شود و به همین جهت سینمای برای انتقال فرهنگ، نیازمند زیرساختهای حرفه ای مناسب نیز است.

سینمای حرفه ای در کشور ما پدیده ای است که به تازگی به آن پرداخته می شود و هنوز هم که هنوز است می توان سینماگرانی را جست، که فاقد نگاه حرفه ای و تخصصی در آثارشان هستند. ورود افراد از کانالهای غیر آکادمیک به سینما در ایران، امری معمول و متأسفانه پرسابقه ای

است. یک شبه رفتن ره صد ساله، به دست آوردن توفیق های اقتصادی، و از همه مهمتر ستاره شدن، از رویاهایی بوده که در ذهن اغلب جوانان بوده و هست. درج آگهی های استخدام بازیگر در اینترنت و مطبوعات، به هر جوان این نوید را می دهد که شاید این راه تحقق رویاهای آنها باشد. به ویژه نگاه به ستارگانی که با تخصص های مختلف در حوزه سینما موفق بوده اند، این حس را در آنها تقویت می نماید .

به کار گیری بازیگر از طریق آگهی(به منظور توجیه و شانه خالی کردن از انگ رابطه سالاری در سینما و به ویژه تلویزیون) باعث ورود نگاه غیر حرفه ای، به سینمای ایران شده است و به همین سبب است که ما فیلم ها و سریال هایی را مشاهده می کنیم که به هیچ وجه نمی توان با کاراکتر های آن مانوس گشت و به نوعی شاهد ابتذال در سینما هستیم. کاربرد این سبک از بازیگری نتیجه عدم شکل گیری زیر ساختهای حرفه ای در سینمای ایران است و باعث ورود نگاه غیر حرفه ای از سوی مردم به این حوزه شد. اینچنین است که برخی تصور می کنند بدون هیچ تجربه و دانشی می توانند از پس حرفه سخت بازیگری برآیند.

سینمای ما به شدت محتاج اعمال یک نگاه علمی و تخصصی است و فقر نگرش حرفه ای به آن قویاً احساس می شود. اعمال نگاه تخصصی به حوزه سینما تنها با شکل گیری و تکوین زیرساختهای حرفه ای آن ممکن می شود. جدول زیر عوامل موثر بر تقویت زیرساخت های حرفه ای سینمای ایران را نشان می دهد.

عوامل موثر بر تقویت زیرساختهای حرفه ای سینمای ایران
کاهش فاصله سینمای ایران با استانداردهای بین المللی
ایجاد فضای آکادمیک برای تدریس حرفه ای سینما

تعمیق پژوهشها در حوزه سینما به منظور غنای بیشتر آن
مقابله با عوام زدگی در فیلم ها
حمایت از سالنهای سینما و جلوگیری از بسته شدنشان
سینما شناس بودن مدیران سینمایی کشور

ضرورت باز تولید و تبیین دوباره ی زیرساختهای سینمای ایران:

سینما به عنوان هنر صنعتی که ما به وسیله آن، باید خودمان را به دنیا معرفی کنیم، نیازمند توسعه ای همگون در تمامی بخش هاست . و اگر ما به ارائه ی یک تصویر خوب از خودمان به دنیا می اندیشیم باید ملزومات توسعه سینمایی مان را فراهم نماییم . طبیعی است که سینمای توسعه یافته معلول زیرساختهای توسعه یافته است و برای توسعه سینمایی باید ،تعریف دوباره ای از آنها ارائه نمود. ناکارآمدی مدیران هنری در ایران ،بیش از آنکه ضعف در مدیریت آنها باشد ، ضعف در معیوب بودن زیرساختهای هنری کشور است، به همین جهت است که پرداختن به مقوله زیرساختهای سینمای ایران و تعریف دوباره ای از آنها امری ضروری است و به شدت در کشور احساس می گردد.

پیشنهادات راهبردی:

به منظور رفع چالشهای مطرح شده در حوزه سینما و همچنین توسعه صنعت سینمایی کشور پیشنهادات راهبردی ذیل به نظر می آید:

*تغییر نگرش عمومی به حوزه سینما ،با استفاده از رسانه ملی و استفاده غیر ابزاری از هنرمندان این عرصه برای اداره بهتر کشور. و پیشبرد برنامه های نظام با کمک گرفتن از مقبولیت و محبوبیت هنرمندان و در نهایت توجه به خواسته های آنان.

*تصویب قانون جامع سینما و تجمیع کلیه ی بخش نامه ها و آیین نامه ها و ابلاغیه ها و گنجاندن مفاهیم آنها در این قانون، و قرار دادن آن به عنوان میثاق و ملاک عمل فعالین این حوزه برای فعالیت سینمایی شان.

*عدالت در توزیع کمک های اقتصادی و مشوق های حمایتی دولت به سینماگران، با حفظ استقلال آنها. و همچنین تلاش برای تحکیم پایه های استقلال مالی آنها.

*قانع گشتن دولت به نقش نظارتی در حوزه سینما و عدول از مواضع دخالتی و همچنین استفاده از هنرمندان به عنوان مشاوران فرهنگی و هنری در ساختار مدیریت فرهنگی کشور.

*کمک دولت و مراکز دولتی به نهادهای صنفی سینما، و پرهیز از هرگونه صنف سازی مشابه از سوی دولت و تلاش در جهت خصوصی سازی در بخش فرهنگ.

*حمایت از بسط نگرش علمی به سینما و تقویت این نگاه به ویژه توسط صدا و سیما و شرکتهای تولید فیلم، و پرهیز از به کارگیری بازیگران غیر متخصص و هرگونه رابطه سالاری.

*تشکیل گروه های مطالعاتی و پژوهشی هنر، در مراکز هم چون مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، مرکز بررسی های نهاد ریاست جمهوری و دیگر پژوهشکده ها و مراکز فرهنگی کشور.

*تاسیس رشته های مطالعات بنیادی هنر از قبیل اقتصاد هنر، روانشناسی هنر، جامعه شناسی هنر، مدیریت هنر و.... در دانشگاه ها و مراکز علمی کشور به منظور تقویت نگاه تخصصی به هنر در کشور.

*تدوین منشور جامع هنروچشم انداز فرهنگی کشور با تکیه برسندچشم اندازوبرنامه های توسعه فرهنگی کشور.